

بسم الله الرحمن الرحيم

سینه زنی ده شب اول محرم 1403

متن اشعار از: احسان نوری، امیر آهمند

شب اول محرم

ای عاشقان ای عاشقان ماه محرم آمده

مرثیه ی خون خدا اینک فراهم آمده

اندوه عظما را ببین، عرش معلا را ببین

پیراهن خونین او در شکل پرچم آمده

ذکر عالم و آدم شده هر دم حسین حسین

نوحه ی حسینیّه شده این دم حسین حسین

ای جانم حسین جانم حسین جانم حسین حسین

ای شیعیان با چشم خون گریه برای او کنید

سینه زنان این سینه را صحن و سرای او کنید

اهل و عیال خویش را، مال و منال خویش را

هر چه که هست و نیست را خرج عزای او کنید

شور حضرت خاتم در این ماتم حسین حسین

می خواند زمین و آسمان ها هم حسین حسین

ای جانم حسین جانم حسین جانم حسین حسین

شب دوم محرم

وا غربتا وا غربتا زینب رسیده کربلا
آشفته چون این کاروان هرگز ندیده کربلا
می خواند از سوز جگر با قلب خون با چشم تر
انا الیه راجعون شاه شهید کربلا

می خواند خدا هم با دل صحرا حسین حسین
پیچید این نوا در عالم بالا حسین حسین
خیمه گاه شاه دین شده بر پا حسین حسین

محمل بدار ای ساربان منزلگه آخر رسید
قافله خسته دل اولاد پیغمبر رسید
سرمست از قالوا بلا تا نذر او گردد ادا
در قتلگاه عاشقان با اکبر و اصغر رسید

آقای غریب آمد غریب آمد حسین حسین
مضطرب بود و با ام یحیی آمد حسین حسین
زهرها هم رسید و بوی سیب آمد حسین حسین

شب سوم محرم

عمه ببین عمه ببین دل خسته را جان آمده

موی مرا شانه بزن گیسو پریشان آمده

امشب شب یلدا شده مهتاب من پیدا شده

از روی نیزه عاقبت قاری قرآن آمده

شد تعبیر خواب من جواب من حسین حسین

آمد آرزوی مستجاب من حسین حسین

بابای به خاک و خون خضاب من حسین حسین

بابا چرا بابا چرا با من نمی‌گویی سخن

با دختر غم دیده‌ات چیزی بگو حرفی بزن

از دست سنگین سنان از ضرب چوب خیزران

بابا شکسته مثل تو ابروی من دندان من

دور از من چرا بودی جدا بودی حسین حسین

وقتی که زمین خوردم کجا بودی حسین حسین

مثل من به زیر دست و پا بودی حسین حسین

شب چهارم محرم

باز آمدم باز آمدم حر پشیمانم حسین
ارفع راسک گفتی و از لطف تو حیرانم حسین
با اینکه من بد کرده‌ام، راه تو را سد کرده‌ام
اما پذیرفتی مرا جانم حسین جانم حسین

در دام تو افتادم که آزادم حسین حسین
ای مهر قبول توبه آدم حسین حسین
دل بر مهر زهرایی تو دادم حسین حسین

با توبه و شرمندگی صورت به خاکت می‌کشم
از خواهر غم دیده‌ات خیلی خجالت می‌کشم
آیا حلالم می‌کند رحمی به حالم می‌کند
تا اینکه او راضی شود از مرگ منت می‌کشم

جانم نذر جان تو به جان تو حسین حسین
قربان علی تازه جوان تو حسین حسین
ارزانی اشک دختران تو حسین حسین

شب پنجم محرم

عبداللهم عبداللهم سیب دو نیم مجتبی

آینه ام آینه ی دست کریم مجتبی

اینک به میدان آمدم با جوشن جان آمدم

از بهر یاری حسین هستم یتیم مجتبی

از نسل دلیرانم رجز خوانم حسن حسن

این نغمه شده شمشیر برانم حسن حسن

ای جانم حسن جانم حسن جانم حسن حسن

ای دشمن خون خدا من مجتبیای دیگرم

ده ساله ام اما در این صحرا خودم یک لشکر

ابن الدعی بی حیا با تیر و شمشیرت بیا

نذر نفس های حسین این دست هایم این سرم

در خیمه نمیمانم خروشانم حسن حسن

میخواند عمو وقتی که میخوانم حسن حسن

ای جانم حسن جانم حسن جانم حسن حسن

شب ششم محرم

ابن الحسن ابن الحسن قاسم به میدان می‌رود
با پرچم یا فاطمه سوی شهیدان می‌رود
ان تنکرونی بر لبش جان‌ها فدای منصبش
آینه دار مجتبی دارد رجزخوان می‌رود

فریاد بنی هاشم ابوالقاسم حسن حسن
این نغمه شده در کربلا حاکم حسن حسن
تسبیح لب اهل حرم دائم حسن حسن

پیچیده در هفت آسمان این نوجوان آوازه‌اش
کوه غیرت بود از این رو جوشن نشد اندازه‌اش
از ضربه شمشیر او از شیوه تکبیر او
دشمن به یک لحظه چنین پاشیده شد شیرازه‌اش

حرز روی بازویش دعاگویش حسن حسن
می‌خواند حسین با دیدن رویش حسن حسن
ابروی کمان و روی دلجویش حسن حسن

شب هفتم محرم

وا عطشا وا عطشا در خیمه‌ها غوغا شده
از تشنگی طفل رباب زخم لبانش وا شده
اصغر تلظی می‌کند سقا خجالت می‌کشد
از این غم بی‌انتها خونین دل دریا شده

چون ماهی دور از آب شده بی‌تاب علی علی
از سوز عطش دیگر ندارد خواب علی علی
پیچیده صدا در خیمه ارباب علی علی

روی دست بابا رفته تا انتهای بی‌کسی
در خیمه‌ها دارد رباب می‌میرد از دلواپسی
ای خصم بی‌شرم و حیا یک طفل چندین ماهه را
آخر مگر با تیر هم از شیر می‌گیرد کسی

عالم می‌زند بر سر که شد بی‌سر علی علی
روی دست بابا می‌زند پرپر علی علی
نوحه خوان شده در خیمه‌اش مادر علی علی

شب هشتم محرم

یا للعجب یا للعجب شبه پیمبر آمده
اسمش علی وصفش علی گویا که حیدر آمده
اینک اذان گوی حرم خورشید خوش روی حرم
آینه توحیدی الله اکبر آمده

می گوید رجزهایش نفسهایش علی علی
می خواند پدر محو تماشایش علی علی
عالم مبتلای اسم زیبایش علی علی

بر ابرویش افتد گره ناگاه طوفان می شود
از میمنه تا میسره کشته فراوان می شود
شمشیر برانش که هیچ جنگ نمایانش که هیچ
با گردش چشمان خود پیروز میدان می شود

از حیدر نسب دارد لقب دارد علی علی
ارث از شاه مردان عرب دارد علی علی
میتازد به میدان و به لب دارد علی علی

شب نهم محرم

یابن الحیدر یابن الحیدر ای جان جانان حسین
ای ساقی لب تشنه گان ماه شبستان حسین
ای تک یل ام البنین دریا دل ام البنین
چشم منو احسان تو ای نور چشمان حسین

ذکر هر دل شیدا در این شبها دخیلک
تنها دلخوشی زینب کبری دخیلک
ای باب الحوائج حضرت سقا دخیلک

ای بی دست کرب و بلا دست گدایت را بگیر
ای چشم امید حرم اشک از دو چشم ما بگیر
وقتی که دستان تو را می آورد روز جزا
خط امان شیعه را از حضرت زهرا بگیر

دل بر مهر تو دادم اگر شادم دخیلک
در محشر برس آقا به فریادم دخیلک
از بند غم و غصه کن آزادم دخیلک

شب دهم محرم

ای کشته دور از وطن جان‌ها به قربانت حسین
ای تشنه صد پاره تن جان‌ها به قربانت حسین
ای زینت دوش نبی فرزند زهرا و علی
ای شاه بی غسل و کفن جان‌ها به قربانت حسین

ای شیب الخضیب آقا غریب آقا حسین حسین
ای خد التریب آقا غریب آقا حسین حسین
مولای غریب آقا غریب آقا حسین حسین

امشب حسین با صوت خوش قرآن تلاوت می‌کند
با اشک خود در خیمه گه غسل شهادت می‌کند
از روضه گودال خود از پیکر پامال خود
با زینب غم پرورش ذکر مصیبت می‌کند

امشب در حرم خواهر شده مضطر حسین حسین
فردا نور چشمانش شود بی سر حسین حسین
می‌خواند به اشک و ناله با مادر حسین حسین

مجمع المادحين حضرت زهرا (س)

آموزش تخصصی مداحی




صداسازی نغمات مداحی

شعرخوانی - دعاخوانی - روضه خوانی

برگزاری دوره های آموزش کوتاه مدت و بلند مدت

کانال آموزشی در ایتا و تلگرام: @madehin۱۴